

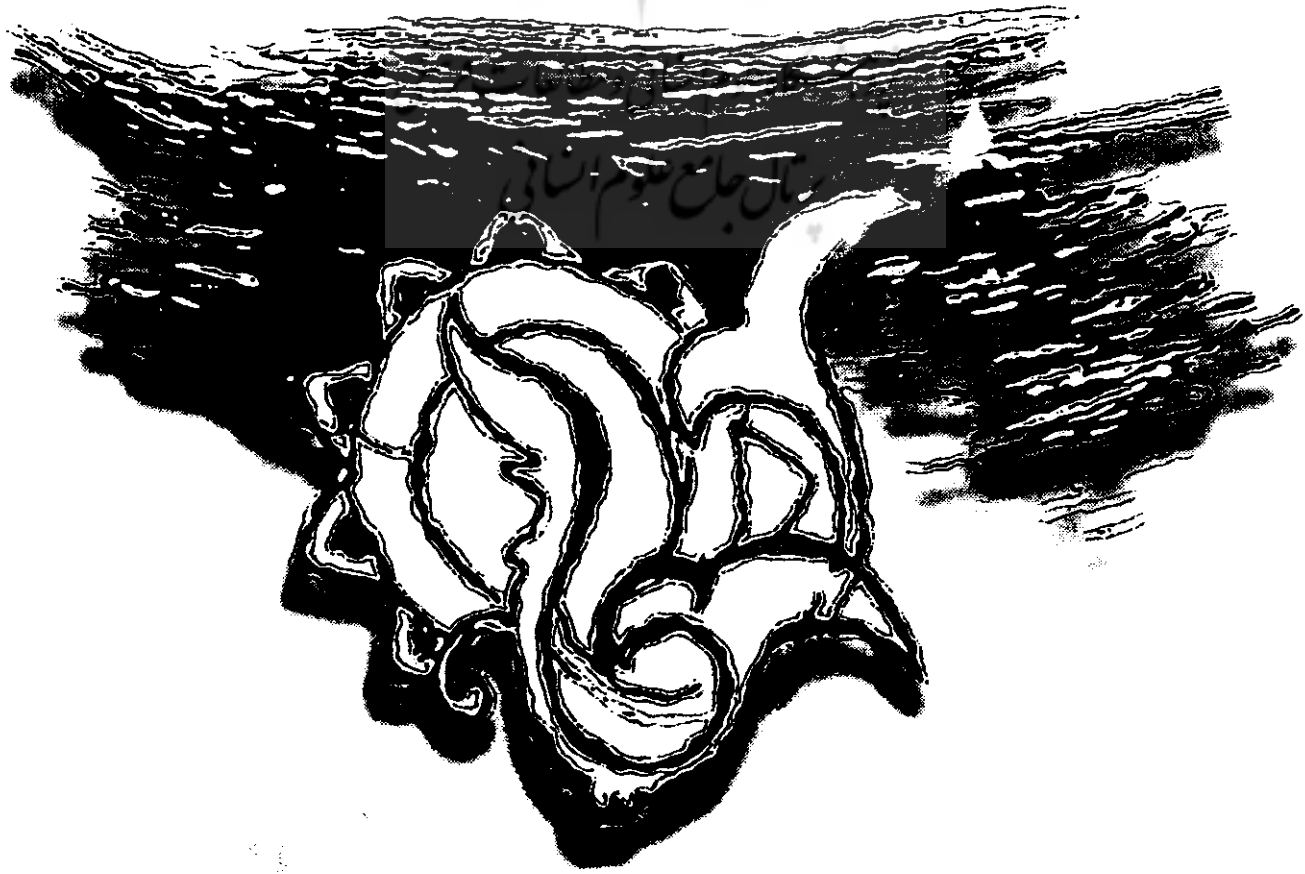
لازمه رسالت بین‌المللی مصلح و رهبر بزرگی چون امام خمینی علیه السلام از لحاظ احیاء تفکر دینی، در این خلاصه می‌شود که به آن چه موجب تفرقه ملت‌های اسلامی تاکنون شده است، توجه خاص داشته باشد، و با چاره‌اندیشی‌های خردمندانه ملهم از قرآن و سنت و یا گفتار و رفتار پیشوایان دین - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام - راه درمان دردها و برطرف کردن موانعی را که از طرف دشمنان اسلام به ویژه در روزگار ما - به منظور استعمار و استثمار - مسلمانان جهان ایجاد شده است، بشناسد و ارائه طریق کند.

مسائلی که ذیلآ - به طور اجمال - بدان‌ها اشارت خواهد شد، اهم موضوعاتی هستند که در زندگی دینی - سیاسی امام خمینی علیه السلام و رسالت مذکور برجستگی خاص دارد و آن اندازه دارای اهمیت است که اگر روزی با یاری خداوند به مرحله تحقق درآید، عزت‌مندی جهان اسلام و استقلال مادی و معنوی مسلمانان تأمین خواهد شد و زمینه تقرب مذاهب این دین مبین و مآلا وحدت کشورهای اسلامی را فراهم خواهد کرد.

الف - تبلیغ و ترویج اندیشه: «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»

امام راحل علیه السلام، ضمن تأسی به این سخن معجزگونه امیرمؤمنان امام علی بن ابیطالب علیه السلام که گویی آن را برای روزگار امروز و در ارتباط با موضوع چپ روی و راست‌گرایی که از

مصطلحات معروف و رایج سیاسی در عرصه سیاست بین‌المللی در عصر ماست، فرموده‌اند: «الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ، عَلَيْهَا بَاقِي الْكِتَابِ وَآثَارُ النَّبُوَّةِ»، «چپ روی و راست روی، گمراهی است و راه میانه (راه سلامت و پیروزی) طریقی است که کتاب باقی و پایدار (قرآن کریم) و نشانه‌های نبوت (سنن سنیه پیامبر صلی الله علیه و آله) بر آن قرار دارد.» و با عمل به این توصیه‌های معصوم علیهم السلام که حاکمان اسلامی را از معاشرت با کافران و دشمنان اسلام پرهیز داده و لازمه ایمان و خداپرستی را در عدم ارتباط با آنان دانسته است: «لَا يُقِيمُ أَمْرُ اللَّهِ - سُبْحَانَهُ - إِلَّا مَنْ لَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ ...»، (حکم خدای منزّه از ناپاکی‌ها را کسی به پای می‌دارد که با (اهل باطل) مدارا نمی‌کند و با آنان هماهنگ نمی‌شود، و خواهش‌های نفسانی خویش را پیرو نمی‌گردد). با تأسی از مجتهد فرزانه ظلم ستیز، مرحوم شهید آیه الله سیدحسن مدرس اردستانی (۱۲۷۸ - ۱۳۵۵ هـ ق) که در مبارزات سیاسی خود در دوره‌های دوم تا ششم مجلس شورای ملی سابق، با سخنرانی‌ها و رهنمودهای سازنده‌اش و کلا را به ایفای وظایف شرعی و قانونی‌شان راهنمایی کرد و در مورد سیاست خارجی ایران و مواجهه با کشورهای خارجی و غیر مسلمانی چون انگلستان و روسیه، اعتقاد داشت که: «ما باید توازن عدمی را نسبت به همه دولت‌ها مراعات کنیم، نه توازن وجودی راه، یعنی آنها برای



خودشان، ما هم برای خودمان ... و هر کس (یا هر نماینده‌ای) تمایل به سیاستی نماید، ما - یعنی: ملت ایران - با او موافقت نخواهیم کرد، چه رنگ شمال داشته باشد، چه رنگ جنوب و چه رنگ آخر دنیا را. صریحاً عرض می‌کنم: غرض بنده متوجه به شرق و غرب و شمال و جنوب است»^۱؛

امام خمینی علیه السلام نیز با طرح و ارائه شیوهٔ سیاسی: «نه شرقی نه غربی، بل اسلامی» که همان طرز اندیشه و آرمان خواهی اسلامی یا «اصل توازن عدمی شهید مدرس در سیاست خارجی» است، راه درست رسیدن به استقلال سیاسی و خودکفایی‌های اقتصادی و فرهنگی را به دولتمردان ایران و دیگر کشورهای اسلامی آموخت.

چه، مبتنی بر این شیوه: «قطع نفوذ و دخالت بیگانگان در امور ایران و سایر کشورهای اسلامی، طرد رژیم‌های سلطنتی به عنوان نظامی مستبدانه و مخالف منافع مردم و ناسازگاری با اسلام راستین، مبارزهٔ دائمی با ظلم و ظالم و استبداد و استعباد و سلطه‌پذیری، بالاخره تلاش در جهت دستیابی به حکومتی مستقل بر پایهٔ عدالت و عدم دخالت ایدای شرق و غرب و شمال و جنوب، خلاصه می‌شود، و با تحقق این اصل، راه نجات جوامع اسلامی از شر تجاوز خارجیان غیر مسلمان که ابرقدرت‌هایشان آتش‌افروز جنگ‌ها و مسبب فقر و فساد، و ظلم و ویرانی و درگیری مسلمانان در مناطقی چون فلسطین و افغانستان و لبنان و عراق و بوسنی و هرزه گوین و شبه جزیره بالکان و کشمیر هستند و ضعیف‌ترانشان پایمال‌کنندهٔ حقوق سیاهان و سیدان سیه‌روز آفریقا و آسیا و دیگر مناطق جهانند، هموار می‌گردد»^۲؛

با مطالعهٔ اجمالی پیرامون سخنرانی‌ها، پیام‌ها و نوشته‌های امام خمینی علیه السلام که از قبل از انقلاب تا زمان وفات‌شان، به مناسبت‌هایی مختلف ایراد فرموده و نگاشته‌اند، ملاحظه می‌کنیم که بر اساس اصل حیاتی «نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی» در موارد متعددی، نظر ایشان دربارهٔ قطع وابستگی با خارجیان و

اعمال سیاست توازن عدمی با آنان، این بوده است که اظهار داشته‌اند:

«من بارها گفته‌ام و هم اکنون اعلام می‌کنم که ایران باید تا قطع تمام وابستگی‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی خود از آمریکا به مبارزات قاطع خویش علیه این جهان‌خوار بی‌رحم ادامه دهد.

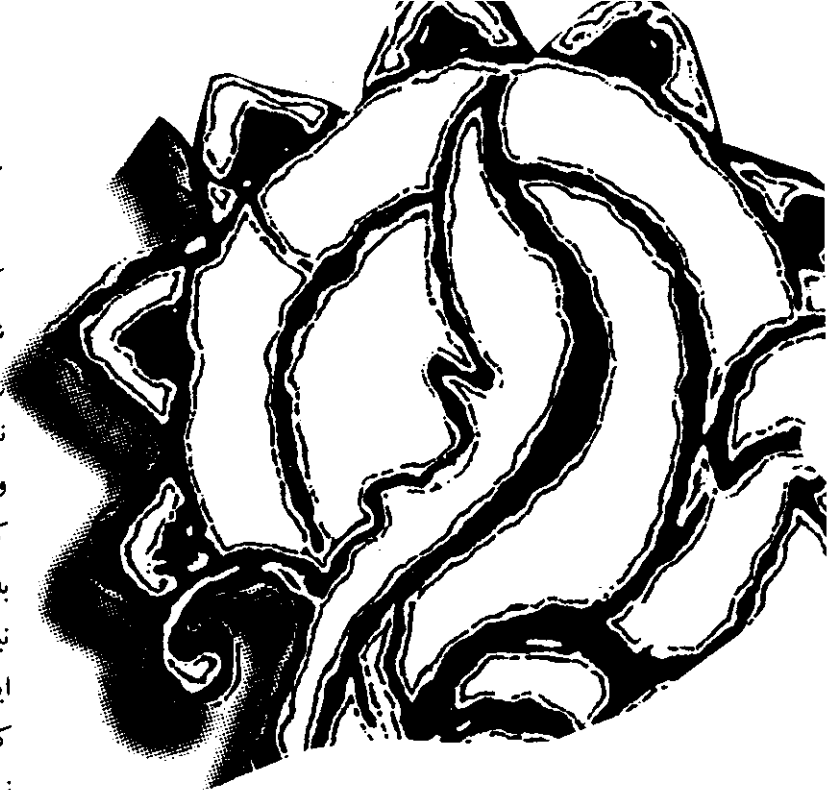
ما از تمام کشورهای زیرسلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال، کاملاً پشتیبانی می‌کنیم و به آنان صریحاً می‌گوییم که حق گرفتنی است. قیام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنهٔ تاریخ و روزگار براندازید. من بارها گفته‌ام و هم اکنون هشدار می‌دهم که اگر شرق ستم کشیده و آفریقا به خودشان متکی نباشند، تا ابد گرفتارند. بیاید روی پای خودتان بایستید. من به تمام کشورهای زیرسلطه و ستم‌آخراط می‌کنم که متحد شوید و دست آمریکا و سایر ابرقدرت‌هایی که تا موفق به خون جوانان ما و سایر مردم مظلوم و رزمندهٔ جهان فرورفته است را قطع کنید»^۳

ب - مخالفت با بودن حق «وتو» در دست ابرقدرت‌های غیرمسلمان در سازمان ملل، به منظور حمایت از کشورهای اسلامی تحت ستم نظیر: فلسطین، افغانستان و ...

با توجه به این که در حال حاضر حدود نیمی از اعضای سازمان ملل متحد را نمایندگان کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند، و از طرفی با در نظر گرفتن این که هم اکنون جمعیت مسلمانان جهان از مرز یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر یا از نزدیک به $\frac{1}{4}$ کل جمعیت جهان فراتر رفته است، و از طرفی شهرگک حیات اقتصادی جهان از لحاظ تهیهٔ مواد خام - به ویژه نفت و گاز - در دست کشورهای اسلامی چون: عربستان و کویت و ایران و عراق و اندونزی و ... قرار دارد، و در مقابل دولت‌هایی چون آمریکا و انگلیس تقویت‌کننده و حامی دشمن شماره یک یا قسم خورده ملت‌های اسلامی - یعنی اسرائیل غاصب - هستند که با استفاده از حق «وتو» هر چند گاه بر جنایات اسرائیل

امام خمینی علیه السلام و احیاء در عرصه رسالت تفکر دینی بین المللی اسلام

* حسین رزمجو



کمونیسم - که رهبری آن قبل از فروپاشی شوروی در سال ۱۳۷۰، با این کشور بود، تخطئه مرام مارکسیسم - کمونیسم است که با ارسال نامه و پیامی برای گورباچف رئیس جمهور سابق شوروی و اعزام نمایندگان از طرف خود به سوی وی، برای رساندن آن پیام که در تاریخ یازدهم دیماه ۱۳۶۷ انجام گرفت. نکته حائز اهمیت موجود در این پیام که مبین آینده‌نگری درست و خردمندانه امام است، این که حدود چهار سال قبل از فرو ریختن کاخ پوشالی هشتادساله کمونیست در شوروی سابق، در نامه خود به این موضوع مهم و کارساز نبودن مکتب کمونیسم در برآوردن نیازهای بشریت تصریح فرمودند: «برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد. چرا؟ برای آنکه، مارکسیسم - کمونیسم جواب‌گوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست. چرا که مکتبی است مادی و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به درآورد ...»

و به دنبال این عبارات می‌افزایند: «از شما جداً می‌خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ نشوید. امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه‌های پوسیده هفتاد سال کثرتی جهان کمونیسم را از چهره تاریخ و کشور خود بزداید. امروز دیگر دولت‌های همسو با شما که دلشان برای وطن و مردم‌شان می‌طبد، هرگز حاضر نخواهند شد، بیش از این منابع زیرزمینی و روی‌زمینی کشورشان را برای اثبات موفقیت کمونیسم - که صدای شکستن استخوانهایش هم به گوش فرزندان‌شان رسیده است، مصرف کنند.»^۹

و سپس امام علیه السلام در نامه‌شان به اشتباهاتی که در محاسبات فکری و جهان‌بینی مادی - کمونیسم - از جمله عدم اعتقاد به خدا وجود دارد، اشارت فرموده و با استدلالی قوی و مستند به آیات قرآن، به اثبات خداوند و موضوعاتی چون حقایق وحی و رسالت انبیای الهی و قیامت پرداخته‌اند و آقای گورباچف و رهبران کمونیسم را به تحقیق در حقایق ادیان الهی با ارائه مآخذی از بزرگان اسلام از جمله، فارابی و ابن‌سینا و سهروردی و صدرالمتألهین و محیی‌الدین عربی دعوت کرده‌اند. و در پایان اظهار داشته‌اند که: «اکنون بعد از ذکر این مسائل و مقدمات، از شما می‌خواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید. و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما که به جهت ارزش‌های والا و جهان شمول اسلام است که می‌تواند وسیله راحتی و نجات همه ملت‌ها باشد و گره مشکلات اساسی بشریت

سرپوش می‌گذارند، و این دولت تجاوزگر نژادپرست را در اعمال ضدانسانی‌اش علیه آوارگان فلسطین و اعراب مسلمان ترغیب و تشویق می‌کنند؛ چنانکه از آغاز تشکیل دولت اسرائیل - یا از سال ۱۹۴۸ م - تا کنون: «اسرائیل از اجرای ۴۹ مصوبه شورای امنیت سازمان ملل سرباز زده و ۲۹ بار از حق وتوی آمریکا استفاده کرده است»^۶، لذا امام راحل علیه السلام در واکنش به این قانون شکنی‌ها و تجاوزات، با آینده‌نگری هوشمندانه خود، به منظور جلوگیری از نفوذ استعمار نو و تجاوز ابرقدرت‌های مجهز به حق «وتو» و مالاً تأمین عزت‌مندی جهان اسلام، به کرات با بودن حق و تو در سازمان ملل متحد، مخصوصاً در دست دولت‌های ضداسلامی چون آمریکا و انگلیس و فرانسه مخالفت فرموده و این «حق» در حقیقت «ناحق»^۷ را ایزاری خطرناک در دست جهان‌خواران زورمند زرمردار مزدور دانسته‌اند:

«ملت ایران تصمیمات شورای امنیت و سازمان‌های بی‌ارزش را جز ورق پاره‌هایی در خدمت و توکنندگان نمی‌دانند ... آنان که با عریده‌ها و تبلیغات بی‌پایه سر تعظیم به پیش صهیونیست‌ها فرود آورده‌اند ... گرچه امروز ابرقدرت‌ها زیر عناوین مختلف خون مردم مستضعف را می‌مکند و به هیچ وجه کاری به نوع تفکر خویش ندارند و آن چه بر ایشان مطرح است مسائل مادی خودشان است ولی خطر کمونیستی از سرمایه‌داری غرب کمتر نیست.»^۸

چ - تخطئه مرام مارکسیسم - کمونیسم با نگارش نامه معروف خود به گورباچف در یازدهم دیماه ۱۳۶۷ ش. قبل از فروپاشی کشور شوروی:

از حرکت‌های انقلابی و سازنده امام خمینی علیه السلام در جهت عزت‌مندی و معرفی اسلام به جوامع بشری - از جمله بلوک



ه- احیاء سنت برائت از مشرکان در مراسم حج، برای مبارزه با جهان‌خواران ستمگر کافرکیش:

بنابر فرمانی که در آیه سوم سوره مبارکه التوبه/ ۹، این گونه از طرف خداوند به نبی اکرم ﷺ ابلاغ شده است: «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ...» او این اعلامی است از سوی خداوند و پیامبرش به همه مردم در روز حج اکبر - عید قربان - که خدا و فرستاده او از مشرکان بیزارند.

این آیه که در ماه ذی‌الحجه سال نهم هجرت بر پیامبر نازل شد، در نقض عهد کفار فرود آمده است و میانه آن در کشف احوال منافقان و اظهار خبث و مکاید ایشان است.^{۱۳} لذا بر مسلمانان است که به هنگام حج اکبر یا حج تمتع - در یوم النحر یا عید اضحی - از مشرکان و پیمان‌شکنان از کفار بی‌زاری جویند. این سنت که قرن‌ها به دست فراموشی سپرده شده بود، از سال ۱۳۶۲ (ش) با پیامی که امام خمینی ﷺ روز ۲۵ ذی‌قعدة همان سال برای زائران خانه خدا و مسلمانان سراسر جهان فرستادند، توسط زائران ایرانی اجرامی‌گردد. احیاء این سنت که توسط امام ﷺ انجام گرفت، به منظور مبارزه با جهان‌خواران ستمگر کافرکیش است که با ترفندهای خود در راه استعمار و استثمار کشورهای ضعیف جهان سوم - به ویژه کشورهای اسلامی - تلاش می‌کنند، انجام پذیرفت. امام ﷺ در بخشی از پیام تاریخی مذکور خود، چنین اظهار داشته‌اند: «... امروز، برای شکستن این بت‌ها - بت‌های استعمار - چاره چیست؟ و چه تکلیفی متوجه جهان و مستضعفان می‌باشد؟ یک راه چاره که اساس چاره‌هاست و ریشه این گرفتاری‌ها را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند، وحدت مسلمانان بلکه تمام مستضعفان و در بند کشیده شدگان جهان است و این وحدت که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده‌اند، با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار باید به وجود آید، مرکز این دعوت و تبلیغ مکه معظمه و در زمان اجتماع مسلمین برای فریضة حج است، که ابراهیم خلیل الله و محمد حبیب الله شروع کردند و در آخر الزمان حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفداء تعقیب می‌کند.

به ابراهیم خلیل الله ﷺ خطاب می‌شود که مردم را به حج بخوان تا برای شهود منافع خود از همه اقطار بیابند. این منافع، منافع جامعه است. منافع: سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بیابند و ببینند تو که بر آنان پیغمبری، عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا تقدیم کردی. همه ذرّیه آدم باید به تو تأسی کنند. ببینند که بتها را شکستن و آن چه جز خداوند بود، به دورافکندی. شمس باشد یا قمر، هیاکل، حیوانات یا انسانها. و گفתי و از روی

را باز نمایند. نگرش جدی به اسلام ممکن است شما را برای همیشه از مسئله افغانستان و مسائلی از این قبیل در جهان نجات دهد... در خاتمه صریحاً اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین و قدرتمندترین پایگاه اسلام به راحتی می‌تواند خلأ اعتقادی نظام شما را پر نماید.^{۱۰}

د- صدور فتوای قتل «سلمان رشدی» نویسنده مرتد و خائن کتاب «آیات شیطانی» به منظور حفظ کیان اسلام در عرصه بین‌المللی: امام خمینی ﷺ در تاریخ ۲۵ بهمن ماه ۱۳۶۷ (ش) «سلمان رشدی» نویسنده هندی الاصل انگلیسی را به واسطه هتک حرمت به نبی اکرم در کتاب آیات شیطانی، مهدورالدم دانسته و به قتل وی فتوا دادند^{۱۱} و این فتوا که مورد تأیید قاطبه دانشمندان و حقوقدانان و مقتیان کشورهای اسلامی قرار گرفت، به منظور حفظ کیان اسلام در عرصه بین‌الملل و التیام احساسات جریحه‌دار شده مسلمانان جهان صادر شد و هرچند واکنش‌هایی را نسبت به آن از طرف طرفداران به اصطلاح حقوق بشر و هواداران آزادی قلم و بیان در اروپا ایجاد کرد؛ اما در برابر، تحسین همه فضیلت خواهان ارادتمند به ساحت مقدس نبی اکرم اسلام ﷺ را در سراسر جهان برانگیخت و خود به منزله هشدار و زنگ خطری بود به دشمنان اسلام که از سوی رهبری که به عنوان پناهگاه مستضعفان و مدافع فرهنگ اسلام راستین در جهان شناخته شده است اعلام گردید.

اصولاً مطلق انگاری مبتنی بر خودخواهی و خودبینی که هم اکنون در جهان‌بینی اغلب سیاست‌مداران و طراحان سیاست‌های ضد بشری غرب و شرق وجود دارد، چنان که همه چیز را با معیار ارزش‌های اقتصادی و ضوابط مادی می‌سنجند و به ارزش‌های فرهنگی دیگر ملت‌ها، به ویژه به موضوعات اعتقادی و معنوی آنها از جمله مذهب که ریشه در فطرت آدمی دارد، و پشتوانه خوشبختی و آرامش روحی اوست، توجه نمی‌کنند؛ همچنین تبلیغاتی که رسانه‌های گروهی و ایادی و قلم‌های زهر آگین وابسته به این سیاست‌ها در جهت واژگونه جلوه‌گر ساختن حقایق و مسخ کردن ارزش‌های فرهنگی ملل اسلامی انجام می‌دهند، نظیر: کتاب آیات شیطانی که چند سال قبل به منظور هتک حرمت مقدسات اسلام و خدشه‌دار ساختن احساسات حدود یک میلیارد و نیم مسلمان جهان نوشته و منتشر شده است و یا اهانتی که اخیراً از طرف صهیونیست‌ها به ساحت مقدس نبی اکرم ﷺ انجام گرفت، از جمله موضوعات مهمی است که وجدان‌های بیدار را باید به خود جلب کند تا هشیارانه‌تر بیاندیشند و با سلاح اندیشه و قلم به جنگ دشمنان تعالی فرهنگ اقدام کنند.^{۱۲}



حقیقت گفتمی: «وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفاً مسلماً و ما انا من المشرکین» و همه باید به پدر توحید و پدر پیامبران عظیم الشان تاسی کنند.

و در سوره توبه که امر شد، در مجمع عمومی در مکه خوانده شود، می خوانیم: «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ...»، فریاد برائت از مشرکان در مراسم حج است و این یک فریاد سیاسی عبادی است که رسول الله ﷺ به آن امر فرموده اند، حال باید بر آن آخوند مزدور که مرگ بر آمریکا و اسرائیل و شوروی را خلاف اسلام می داند، گفت: تاسی به رسول خدا و متابعت از امر خدای تعالی خلاف مراسم حج است؟! آیا تو و امثال تو آخوند آمریکایی، فعل رسول الله ﷺ و امر خداوند را تخطئه می کنیدی و تاسی به آن بزرگوار و اطاعت فرمان حق تعالی را برخلاف می دانیدی؟!»^{۱۴}

به نظر نگارنده این سطور، احیای سنت برائت از مشرکان که به فرمان امام راحل مان ﷺ چند سالی است توسط زائران ایرانی خانه خدا - در مکه معظمه - به مرحله اجرا درمی آید؛ و اثراتی مفید در هشیاری و وحدت مسلمانان جهان داشته است، در حال حاضر که فقط وسیله حجاج ایرانی و جمعی اندک از زائران سایر کشورهای اسلامی انجام می گیرد و تنها در اظهار چند شعار، علیه اسرائیل و آمریکا خلاصه می شود؛ ضمن آن که عملی است مستحسن و لازم، اما کافی و کامل نیست. زیرا برائت حقیقی از مشرکان و کافران، زمانی تحقق واقعی می یابد که مسلمانان ابتدا با مصرف نکردن و نخریدن کالاها ساخت مشرکان و کافرکیشان - که متأسفانه بازارهای کشورهای اسلامی خصوصاً مکه و مدینه، انباشته از آنهاست - یا با به اصطلاح «بایکوت» کردن آنان، باید بیزاری خود را از جهان خواران مشرک - که حتی سجاده و تسبیح

برای فروش در این بازارها می سازند - اظهار کنند و سپس انزجار خویش را با شیوه استعماری دولت های مستکبر غرب و ملحد شرق و دست نشانده گانشان در کشورهای اسلامی - با شرط رسیدن به خودکفایی اقتصادی و علمی -، از طریق قطع روابط سیاسی و اقتصادی با آنان و مبارزات عملی آشکار سازند.

و - «استیفای حقوق زنان» و «مبارزه با بیسوادی»

از دیگر اقدامات حیاتی و سازنده امام خمینی (ره) - در ارتباط با رسالت معظم له در عرصه بین المللی جهان اسلام - که می تواند به عنوان سرمشق عملی و الگو در تمام کشورهای اسلامی کاربرد پیدا کند، توجه ایشان به موضوعات خطیری نظیر: «استیفای حقوق زنان» و «مبارزه با بیسوادی» است که بعد از انقلاب اسلامی ایران با همت و رهنمودهای خردمندانه آن بزرگ مرد، کوشش های فراوانی در جهت تحقق آنها انجام گرفته است. در حال حاضر به برکت انقلاب اسلامی ایران - به رهبری امام خمینی - و در سایه قوانین پیشرفته اسلام، در کشور ما، زنان در تمام شئون و صحنه های اجتماعی - از فرهنگ و هنر و سیاست تا آموختن فنون نظامی و جنگ و مشاغل گوناگون، ضمن فراموش نکردن وظیفه خطیر مادری و خانه داری، دوش به دوش مردان، مشغول کار و فعالیت هستند، و مبتنی بر آن چه که متناسب با طبیعت جسمانی و روانی آنان است، همچنین بر اساس قوانین الهی که اسلام برایشان معین فرموده است، از حقوق حقه خود با اعتباری فراوان برخوردار هستند؛ تلاش یونسکو و همه مسئولان و زمامداران منطقه آسیا و اقیانوسیه باید در این جهت متمرکز شود که در سایر کشورها - به ویژه کشورهای اسلامی - نیز شرایط مطلوبی نظیر آن چه که در ایران برای استیفای حقوق زنان و پاسداری از شأن و منزلت آنان و برابریشان با مردان به وجود آمده است، ایجاد گردد.^{۱۵}



مهم امام خمینی - همان - ص ۳.

۸ - کلام امام - بیانات و اعلامیه‌های امام خمینی (ره) - از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۱ ش - تهران ۱۳۶۱ ش، امیرکبیر، دفتر اول - جنگ و جهاد - ص ۱۰۴ و دفتر دوم - مستضعفین و مستکبرین - ص ۱۰۱.
 ۹ و ۱۰ - آوای توحید - نامه امام خمینی (رض) به گورباچف، و شرح نامه از: آیتا... جوادی آملی، چاپ پنجم زمستان ۱۳۷۳ ش، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳.
 ۱۱ - متن فتوای امام خمینی درباره مؤلف کتاب آیات شیطانی که در تاریخ ۶۷/۱۱/۲۵ صادر شده این است:

«به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم: مؤلف کتاب آیات شیطانی که علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید. و هر کس در این راه کشته شود، شهید است، انشاء... ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد».

رک: صحیفه نور، چاپ اول تهران ۱۳۶۹، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۲۱، ص ۸۶.

۱۲ - مقاله تأثیر فرهنگ اسلامی در شکوفایی تمدن مغرب زمین، نوشته: دکتر حسین رزمجو، مجله کیهان فرهنگی، سال چهاردهم - مهرماه ۱۳۷۶ ش، ش ۱۳۴، صف ۴۳ تا ۴۵.

۱۳ - سیرت رسول الله - مشهور به سیرت النبی - تألیف محمد بن اسحاق، ترجمه و انشای رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، با مقدمه و تصحیح: اصغر مهدوی، چاپ دوم تهران ۱۳۶۱ ش، انتشار خوارزمی، نصف دوم ص ۱۰۰۱ تا ۱۰۰۳.

۱۴ - پیام امام خمینی (رض) به زائران بیت‌الله الحرام و مسلمانان سراسر جهان، در روز دوازدهم شهریور ۱۳۶۲ ش مطابق با ۲۵ ذی‌قعدة ۱۴۰۳ هـ، به نقل از کتاب «ادبیات انقلاب اسلامی»، چاپ تهران ۱۳۶۳ ش، انتشارات سازمان کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، ص ۳۷.

۱۵ و ۱۶ - مقاله «گرفتاری‌های منطقه آسیا و اقیانوسیه، و نقش بونسکو در رفع این مشکلات» نوشته: دکتر حسین رزمجو، در مجله پیام بونسکو، شماره ۱۶۴ - سال پانزدهم - مورخ بهمن ۱۳۶۳ ش.

در مورد مبارزه با بیسوادی، با توجه به آخرین آماری که سازمان‌های جهانی چون یونسکو درباره تعداد بیسوادان جهان منتشر کرده‌اند، و شمار آنها را افزون بر هشتصد میلیون نفر دانسته‌اند که بخش عمده‌ای از این تعداد در قاره‌های آسیا و آفریقا - از جمله در کشورهای اسلامی - زندگی می‌کنند، در ایران بعد از انقلاب اسلامی، به فرمان امام خمینی که:

«ایران باید به مدرسه‌ای مبدل گردد»^{۱۶}، مبارزه با بیسوادی به صورت بسیج عمومی آغاز شد و با تلاش نستوه و صمیمانه سازمان نهضت سوادآموزی و جهاد سازندگی تاکنون ملیونها نفر از نعمت خواندن و نوشتن برخوردار شده‌اند. این اقدام خداپسندانه و بشر دوستانه که به همت امام خمینی علیه السلام در ایران عملی گردید، می‌تواند الگوی کاربردی برای همه کشورهای اسلامی باشد که با تاسی از آن ریشه جهل و فقر را در سرزمین‌های خود از میان ببرند.

آن چه گذشت، به واقع گوشه‌هایی بود از آن چه که به همت رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی علیه السلام به منظور «احیاء تفکر دینی» و رشد جامعه اسلامی در عرصه رسالت بین‌المللی اسلام انجام گرفت.

فهرست منابع و مآخذ

۱ و ۲ - نهج البلاغه، صَبَط نَصَه: الدكتور صبحی الصالح، الطبعة الاولى، بیروت ۱۳۸۷ هـ ق ص ۵۸ و ۴۸۸.

۳ - مدرس شهید، نابغه ملی، تألیف: علی مدرس، چاپ اصفهان ۱۳۵۸ ش، انتشارات بنیاد فرهنگی بدر، ص ۴۴۳ تا ۴۸۵ و ۵۰۷ و ۷۹، از سخنرانی‌های شهید مدرس در مجلس شورای ملی - جلسات: ۲۵ حوت ۱۳۰۲ و ۱۰ عقرب ۱۳۰۳ شمسی.

۴ - مقاله: «نه شرقی نه غربی بل اسلامی یا اصل توازن عدمی مدرس در سیاست»، متن سخنرانی نویسنده در کنگره بین‌المللی پنجاهمین سالگرد شهادت آیتا... سیدحسن مدرس که از تاریخ دهم لغایت سیزدهم آذرماه ۱۳۶۶ ش در تهران برگزار شد. این مقاله در ش ۳۰ - بهار ۱۳۷۰ ش - فصلنامه مشکوة - نشریه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی طبع و نشر شده است.

۵ - پیام امام خمینی در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۸. رک: ۵ پیام از امام خمینی، چاپ مشهد (بی تا) انتشارات آستان قدس، شماره ۱۲ ص ۲ و ۳.
 ۶ - نشریه - اورلاند و سنینسل آمریکایی - به نقل از روزنامه خراسان، ش ۱۴۱۱۴ مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۷.

۷ - به نقل از پیام امام خمینی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۸ ش - رک: پیام

